

سقف کوتاه احزاب در کشور

محمد صادق جواديه حصار

روز گذشته خبر رسید که علیرضا پناهیان (یکی از شاگردان آقای مصباح) احزاب را ریشه مشکلات کشور معرفی کرده و آنها را به دلیل اینکه تصور می‌کنند، نماینده مردم هستند، نواخته‌اند! به نظر می‌رسد، در اظهارات آقای پناهیان تناقضهای فراوانی نهفته باشد. پرسش اصلی این است که آیا احزاب در انتخابات شرکت نمی‌کنند یا این مردم هستند که در انتخابات مشارکتی ندارند؟ اگر احزاب ایران آنقدر بزرگند و نقش و جایگاه دارند که عدم شرکت آنها باعث کاهش مشارکت مردم در انتخابات می‌شود، پس یعنی احزاب نماینده مردم و عین مردم هستند. اما اگر احزاب در نیامدن مردم نقشی ندارند (همان‌طور که در آمدن آنها نقشی ندارند) پس مسوولیتی هم ندارند و مشکلات کشور ربطی به آنها ندارد. در ادامه باید از آقای پناهیان و همفکران ایشان که رای مردم را تزیینی می‌دانند و وجود احزاب را بیهوده ارزیابی می‌کنند پرسید، آیا در حاکمیت و سیستم مدیریتی کشور نقش تعیین‌کننده‌ای برای احزاب در نظر گرفته شده است یا خیر؟ آیا احزاب می‌توانند دولت تعیین کنند و سیاست‌گذاری‌های کشور را مطابق خواست مردم به دست بگیرند؟ مثل احزاب همسایه‌مان ترکیه می‌توانند بگویند اکثریت مجلس را به دست گرفته‌ایم، بنابراین دولت تعیین می‌کنیم؟ زمانی در کشوری نظام حزبی وجود دارد و در این نظام اگر احزاب نقش تعیین‌کننده داشته باشند، حتماً به جای مردم هستند و نمایندگان آنها محسوب می‌شوند. احزابی که بتوانند نظر مردم را جلب کرده و آنها را با نظر خود همراه و همسو کنند و پای صندوق رای بیاورند یا از صندوق رای دور نگه دارند، حتماً نماینده مردم و با مردم هستند. اما اگر غیر از این باشد نباید از آنها توقع پاسخگویی به وضع موجود را داشت. در شرایطی که حتی روسای جمهور و نمایندگان مجلس پس از حضور مردم پای صندوق‌های رای و پیروزی‌شان، رسماً اعلام می‌کنند خود را به احزاب متعهد نمی‌دانند، پس در کشور سیستم حزبی وجود ندارد. اگر احزاب این افراد را روی کار آورده‌اند، باید دید چرا از حزب تبری می‌جویند؟ اگر احزاب نیاورده‌اند که نقشی برای حزب نمی‌توان متصور شد. مثلاً حسن روحانی و... پس از انتخابات و مشارکت مردم از احزابی که آنها را حمایت

کرده بودند، تبری جستند. صحبت‌هایی از جنس صحبت‌های پناهیان نوعی فرافکنی است؛ این جریان به خوبی می‌داند که مردم در انتخابات آینده پای صندوق‌ها نخواهند آمد، از همین امروز به دنبال قربانی‌های تازه هستند. می‌خواهند بگویند این تقصیر احزاب است که مردم در انتخابات شرکت نکرده‌اند. اگر احزاب اینقدر قدرت داشتند که می‌توانستند به مردم بگویند پای صندوق‌ها نیایند و مردم هم به حرف آنها گوش می‌دادند، وضعیت کشور با شرایط فعلی متفاوت بود. اما متأسفانه شرایط عمومی کشور کار را به جایی رسانده که نه قیچی احزاب می‌برد و نه تیغ نظارت استصوابی می‌تواند مجلس را قدرتمند کند و نه شمشیر حاکمیت می‌تواند مردم را به زور پای صندوق‌ها بکشانند. تا مردم به صورت خودآگاه به این نتیجه نرسند که رویکرد حاکمیت تغییر کرده و تشخیص دهند که باید در انتخابات شرکت کنند، نه به زور می‌توان آنها را پای صندوق‌ها آورد و نه به اجبار می‌توان آنها را از صندوق‌های رای دور کرد. البته برخی با فریب و خدعه تلاش می‌کنند توجه افکار عمومی را جلب کنند. برخی افراد و جریان‌ها با وعده‌های سرخرمن از برنامه‌های 7 هزار صفحه‌ای صحبت می‌کنند، بعد که روی کار می‌آیند می‌گویند...

7 هزار صفحه به 700 صفحه و بعد هم به 7 صفحه تبدیل شده و نهایتاً هم خلاصه‌اش را به مجلس می‌دهند. در کل واقعیت آن است که احزاب در جامعه ایران نقش برجسته‌ای ندارند، بنابراین پاسخگویی به وضع موجود هم بر عهده آنها نیست. افراد و گروه‌هایی باید پاسخگویی وضعیت کشور باشند که قدرت را در اختیار دارند.

منبع: روزنامه اعتماد 17 خرداد 1402 خورشیدی